

# آئین نوروزی و هیر نوروزی

از دوران ماقبل تاریخ و ایامی نزدیک به ۱۲ هزار سال پرستیدن آفتاب و ستارگان و اجرام دیگر فلکی اساس اعتقاد و ایمان ساکنان آسیای غربی بوده است. مردم آن ایام بسبب احتیاج و ترس، اعتقاد خاصی بتأثیر این عوامل در امور کلی و جزئی جهان پیدا کرده بودند و آن چنان بستاره شناسی و نجوم پای بند شدند که هیچ کار زندگی را، از امر زراعت و زناشویی و دادوستد قانوشیدن دارو و مسافرت و جنگ و صلح، بدون مشورت منجم انجام نمیدادند. منجمان راهنمای مردم شده و بآنان که از غرش رعد و برق و ابرو باد به دل غارها

از

فضل الله حقیقی

و شکاف سنگ‌های پناه می‌جستند چنین گفته بودند: «ستارگان و آفتاب و عوامل کهکشانی هر کدام قدرتی مطلق‌اند. باید به پرستش آنها پرداخت تا از خیرات آنها برخوردار و از آسیب آنها در امان بود». بر اساس این اعتقاد و مقدس شدن آسمان هزاران خداوند بی‌مرک و ناظر و مؤثر بر کار جهان پدید آمد و از این میان تقدیس آفتاب بسبب روشنایی و گرمای جان بخش او زودتر از دیگر اجرام منظومهٔ فلکی آغاز گردید. لیکن از ۳۷۵۰ سال قبل که مذاهب الهامی انتشار یافت<sup>۱</sup> پیامبران توحید، خداوندان قدیم را در هم شکستند و نیروهای آسمانی یک کاسه در واحدی نامرئی متجلی گردید.

منجمان ایرانی پس از اختراع خط ریاضی (عدد نویسی) و از هشت هزار سال قبل<sup>۲</sup> بسبب همان معتقدات نجومی که داشتند رقم هفت (هیت) را از آن جهت که با هفت گوهر آسمانی مناسبت دارد، مقدس خواندند. سونگیریان که از ایران به شوش و جنوب بین‌النهرین رفته بودند پرستش ستارگان هفتگانه آسمان پرداختند و عبادت گاهی هفت طبقه برای آنها ساختند. بدنبال آنان ساکنان بابل و هند (مردم غرب خوزستان بزرگ)<sup>۳</sup> بتقلید سونگیریان عبادتگاهی بزرگ برای پرستش هفت گوهران آسمانی بنیاد نهادند و امر تقدیس ستارگان آنچنان در ذهن مردم جای گرفت که بعد از پیدایش مذاهب الهامی همچنان در اذهان عمومی و در کالبد آیین‌های توحید باقی ماند. تقدیس ستارگان در آیین ابراهیم و سوکندهای موجود در قرآن با آفتاب و ماه و روز و شب و آسمان و زمین نموداری از این افکار قدیمی و تعلق خاطر مردم بدانها می‌باشد.

منجمان ایرانی برای دقت در امر تقویم نویسی و پیشگویی و قایع و راهنمایی‌های روزمرهٔ مردم و مأخذ قراردادن تمام محاسبات نجومی خویش

- ۱- احتجاج طبرسی قرن پنجم، حکمت‌الاشراق سهروردی قرن ۶، ارشاد القاصد قرن ۶
- ۲- درباره پیدایش خط در ایران حفریات سیلک کاشان (توسط کیرشمن) و تحقیقات اخیر کامرون درباره ترجمه بیستون.
- ۳- بصره و نواحی خوزستان بنام هند موسوم بود مسعودی التنبیه والاشراف ص ۳۰۹، طبرسی جلد ۳ ص ۹۰ و تقویم و تاریخ ذ. بهروز و سیرویدی ص ۳۰۸

تا هشتصد سال پیش از تولد عیسی مسیح يك قالب دوازده هزارسالی و شش دوره ۱۵۰۸ سالی قمری متصل بهم داشته‌اند<sup>۱</sup>. این دوره‌های نجومی براساس محاسبه دایره نیمه‌روز (نصف‌النهار سیستان) قرار داشت. انتخاب این نقطه حساس معرف عمق اطلاع ایرانیان چهل و پنج قرن پیش در دانشهای ریاضی، جغرافیا و نجوم، و نمایشگر شایستگی ممتاز آنها در بوجود آوردن قدیمترین اثر علمی و فنی بشر محسوب میگردد و چون دانش نجوم که با جغرافیای ریاضی مربوط است نمیتواند بدون پیش‌بینی دقیق خسوف و کسوف خود را به ترقی و کمال برساند منجمان ایرانی آن ایام در تقویم‌هایی که تدوین نموده‌اند و بعضی از آنها در دست است، دقیقاً هنگام گرفتن خورشید و ماه را تعیین و اعلام داشته‌اند.

یکی از مهمترین و اساسی‌ترین تقویم‌های اولیه ایرانیان تقویم نوروزی شهریاری است که از نظر دقت و جامعیت در میان تمام تقویم‌های ملل کهنه و تازه جهان بی‌مانند است. اهمیت این تقویم که ماخذ ادرار نجومی و دانش سالماری (یا باصطلاح اروپائیان کرونولوژی و دستگاہ تطبیق وقایع با تاریخ دقیق آنها) در نزد ایرانیان بود، موضعی است که تا تغییر محسوسی در اوضاع منظومه شمسی حادث نگردد صحت و دقت مطالب تقویم تردید ناپذیر است.

سه هزار و ششصد و نود و سه سال پیش زردشت ریاضی دان و فیلسوف و شاعر و منجم و اصلاح کننده خط مذهبی دین دبیره در سن چهل و سه سالگی رصد جدیدی طرح نهاد و بر خلاف منجمان گذشته که اول صبح را ماخذ دوره ۱۵۰۷ ساله خورشیدی ثابت قرار داده بودند ساعت ۲۲ ظهر را وقت تحویل سال بافق نیمروز تعیین نمود. زردشت بر اساس این اصلاح، تقویم‌ها و تاریخ‌های پیش از خود را تصحیح و کبیسه نمود و چند دوره نجومی تازه بنا نهاد. بی‌سبب نبود یونانیان بهنگام تجلیل از افلاطون در باغ آکادمی شهر آتن دانشمند خود را تجلی قازهای از شخصیت ممتاز زردشت خوانده بودند.

۱- تقویم نوروزی شهریاری، ذ. بهروز ص ۳۲

علاوه بر ادوار نجومی نامبرده شده ، ایرانیان يك دوره نجومی دوازده ساله حیوانی نیز داشته اند که از دوره های اساسی دستگاه سالاری ایران محسوب میگردید.<sup>۱</sup> در این دوره نجومی منجمان ایرانی بمنظور دقت و جلوگیری از اشتباه اعداد و ارقام، بهر يك از سالهای دوازده گانه خود نام جانوری داده بودند که جالب توجه است :

۱- سال اول هزاره های دوازده گانه

۲- سال اول تاریخ پیشدادی

۳- سال اول تاریخ شهریاری

۴- و سال اول نوبه های نجومی ۱۲۰ سالی و ۸۴ سالی جملگی بانام سال اول حیوانی یعنی سال موش آغاز میگردیده و این کیفیت نیز خود معرف قدرت فکر و دقت نظر منجمان ایرانی محسوب می گردد که با این اقدامات خود بنیان اولیه دانشهای بشری را گذارده اند .

قدیمترین نوشته و اثری که از این دوره نجومی دوازده ساله حیوانی بدست آمده تقویمی است که دو هزار و هشتصد سال پیش آنرا نوشته اند و در آغاز سده بیستم میلادی در مغرب چین بدست آمده است . بموجب این تقویم ، ایرانیان دو نوع نوروز داشته اند . نوروز ثابت خورشیدی بر اساس دوره نجومی ۱۵۰۷ سالی ۳۶۰ روزی و نوروز گردنده بر ماخذ دوره نجومی ۱۵۰۸ ساله قمری و این دو تاریخ با اختلاف ناچیزی باهم معادل بوده اند .<sup>۲</sup>

۱- مجله موخت ، شماره ۹

۲- تقویم نوروزی شهریاری، ص ۳۲ ذ. بهروز. محتاج بتذکر است در دوره ۱۵۰۸ سالی گردنده منجمان ایرانی تفاضل این ۵ روز و ۴۸ دقیقه و ۵۱ ثانیه را در محاسبه شش روز منظور و هر چهار سال يك روز و هر ۱۲۰ سال یا ۱۱۶ سال ۳۱ روزی یا ۳۰ روزی یکماه بدوره نجومی اضافه میکردند و این ماه را اندرگاه ( کیسه ) میگفتند. در دوران حکومت اسلامی بعلت عدم رعایت کیسه و اینکه مالیات را در نوروز میدادند دهقانان شکایت بمتوکل عباسی کردند و خلیفه عباسی از موبد موبدان رسم دیرین ایرانیان را پرسید و دستور داد تا تقویم را اصلاح کنند. بهتری شاعر عرب گوید: «نوروز بوضع اولش برگشت و از سرگردانی نجات یافت». باقتل متوکل فرامین او بلا اقدام ماند و معتضد به تقلید رومیان سال را کیسه کرد و شکایت دهقانان ایرانی باقی ماند .

بقیه در صفحه مقابل

جالب نظر است در ۴۸۰۷ سال پیش از رصد زردشت یعنی هشت هزار و پانصد سال قبل بامداد روز سه‌شنبه اول فروردین نوروز ثابت و نوروز گردنده در یک زمان آغاز گردیده و باهم منطبق بوده‌اند و یم (جم و جمشید) منجم و پادشاه پیشدادی فرزندی تهمورس که برقراری نوروز را بدو نسبت میدهند مبدأ دوره نجومی خود را آخرین روز یخ بندان و سرمای آبی و مرکبار شمال تعیین نموده و بر مبنای افق نیمروز اولین روز زندگی بعد از واقعه مزبور را نوروز یا روز هر مزد و روز خدا خوانده است. در این روز جم از دماوند تا بابل با چرخشی که جن و شیاطین حمل میگردند سفر نموده است. در این روز مردم بهم شکر میدادند و شکر تا آمدن جم شناخته نشده بود.<sup>۱</sup>

نخستین نوروز خورشیدی که ماخذ رصد زردشت و دسته همکاران او قرار گرفته و از آن اطلاع صحیحی در دست است نوروز سال ۳۶۹۳ تقویم شهر یاری و مربوط بسال چهل و سوم زندگی این دانشمند بزرگ و پیامبر آریائی بر محاسبه رصد نیمروز است.<sup>۲</sup> در آن سال تحویل مرکز آفتاب بافق نیمروز ظهر سه‌شنبه نهم خرداد روز صورت گرفته است. بسبب فاصله کوتاهی که بین

بقیه از صفحه مقابل

بدین ترتیب منجمان از محاسبه کیسه غافل مانده و با آنکه در سال ۳۹۲ هجری اسلامی و در سلطنت محمود غزنوی نوروز در اول فروردین قرار گرفت آنرا نادیده انگاشتند و به سبب همین غفلت در سال ۴۶۷ هجری و سلطنت ملکشاه سلجوقی نوروز به سیزدهم اسفند و گل ولای زمستان افتاد. پادشاه و وزیرش نظام‌الملک عبدالرحمن حازنی رادر شهر مرو باصلاح وضع تاریخ و تقویم ایران مأمور نمودند و سه سال بعد هشت نفر منجم ایرانی با شرکت عمر خیام نیشابوری، حکیم لوکری، ابوالمظفر اسفرازی و میمون نجیب واسطی و.... باصلاح تقویم ایرانی پرداختند و سرانجام تقویم متداول امروزی را بنام پادشاه وقت تقویم جلالی خوانده رایج ساختند با اینحال در تقویم متداول امروزی تحویل سال در برج حمل صورت نمیگیرد و در پایان حوت (اسفند) انجام می‌پذیرد. بدین ترتیب ایرانی‌ها هر ۱۲۰ سال یک‌ماه بدر میدادند. خطط مغریزی جلد ۱ ص ۲۷۴، ممودی التنبیه ص ۳۴۷-۲۱۵، ابوریحان آثار الباقیه ص ۴۴، کیا کوشیاد المدخل ص ۸ چاپ برلن.

۱ - آثار الباقیه، ص ۲۲۰

۲ - شرح تذکره بیرجندی بر تذکره خواجه نصیر ورق ۲۰۳ خطی کتابخانه شخصی

ذ. بهروز استنساخ در کشمیر ۱۰۰۳ هـ

آغاز سال خورشیدی (ساعت ۱۲ ظهر سه شنبه) و آغاز سال قمری (ساعت ۱۲ شب چهارشنبه) بوجود آمد ایرانیان در فاصله چند ساعتی میان این دو سال بآتش افروزی و پایکوبی پرداختند و بعدها بر اساس همین کیفیت خاص همه عصرهای سه شنبه منتهی به چهارشنبه آخر سال را بنام چهارشنبه سور و سرور متداول ساختند و این چهارشنبه سوری متداول امروزی مارشله ای ۳۶۹۳ ساله دارد.

از طرفی چون در نخستین سال رصد زردشت روز سیزدهم فروردین (تیرروز از سال موش و بر محاسبه حمل حقیقی) با روز سیزدهم ماه قمری همان سال منطبق گردید و آفتاب و ماه در مقابل یکدیگر قرار گرفتند منجمان این روز خاص استثنائی را نحس خواندند که آفتاب و ماه با استقبال هم آمدند. از اینرو دستور دادند تا مردم از خانه ها خارج شده بصحرا روند و نحوست چنین روز را در بیابان بدر کنند. در اروپا و آمریکا و آفریقای شمالی بر اساس محاسبه ماههای قمری متغیر، تشریفات این روز در بهار صورت می گیرد و عیسویان با انجام عید پاک (بخارج و بدر) آمیخته با بعضی تشریفات مذهبی این سنت مشترک ایرانی آریائی را بر گزار میکنند.

همزمان با انتشار آیین نجومی، ایرانیان غمگینی و ناامیدی را پدیده ای فاشیست و دشمن زندگی میدانستند و عقیده داشتند شادی و امید، هیجان و حرکت بیمار می آورد و همچنین هیجان و حرکت سبب نیرومندی و زندگی بهتر و فردای درخشان تر میگردد.

میشرا و زردشت آنچنان این راز شکفت زندگی را در کالبد مردم ایران دمیده بودند و آنقدر جشن و سرور بوجود آمده بود که ایرانیان حتی در مرگ عزیزان خود شیون و زاری نمیکردند و مجالس سوگوازی برپا نمیداشتند بلکه بشادمانی روان از دست رفته مجلس جشنی ترتیب میدادند و چون سپیدی را رنگ خداوند میدانستند، برای مبارزه با هریمن پلیدی که غبار تاریکی بر جانها میافکند جمله ای لباس سپید می پوشیدند و هفت خوان سپید رنگ از همه گونه

غذا و میوه با شراب و موسیقی ورقص ترتیب داده بشادمانی میپرداختند. زیرا از دوران کهن ایرانیان عقیده داشتند این جان عاریت گوهری است که خداوند برای آزمایش راستی و درستی جوهر آدمی در کالبد انسان با امانت نهاده است. بهنگام باز دادن امانت می باید شادمان بود و از اندوه و بیقراری که نشانه نادرستی و مایه شادمانی اهریمن میگردد دوری گزید. محمد مولوی عارف نامی که خود و همراهانش رقص کمان بادف و می جنازه پدر را بگورستان رسانید بسائقه همین عقیده و سنت کهن ایرانی بوده است که اکنون بصورت ساده تری در بعضی روستا-های لرستان و کردستان و قفقاز رواج دارد و گسترده خوان و نهادن دوست کامی (قالب و قدح چینی یا ورشو و مس) در مجالس سوگواری نشانه ای از همان عقیده چندین هزار ساله است و مردم امروزی دلیل نهادن قدح های خالی از شراب را در کنار جزوات قرآن نمیدانند.

اصولاً انتخاب آغاز سال تقویمی و تاریخی در اولین روز فروردین و انتخاب دو عید نوروز و مهرگان در دو نقطه انقلاب زمستانی و تابستانی و تمییز رنگ پرچم ایرانی از قوس و قزح که از بهترین آثار تجلی زندقی و زیبایی طبیعتند معرف ذوق سرشار و زنده دلی و جهان بینی خاص ایرانی است که در میان ملت های جهان بی مانند است. درباره نوروز و فرورد و ننگ روز و نوک روز<sup>۱</sup> و سنت های وابسته بدان تا چند سال قبل منابعی قدیمتر از ایام ساسانیان که به دست نویسندگان مسلمان نوشته شده بود وجود نداشت لیکن پیدا شدن بایگانی های دولتی اشکانیان بر روی چوب توزو چرم نبشته در کوه مغ تاجیکستان و بر سفال نبشته ها که در خرابه شهر نسا (در ۱۸ کیلومتری شمال غرب اشک آباد یا عشق آباد) بدست آمده از ترجمه و کشف رمز بعضی قسمت های آن معلوم گردید نوروز در دوران شاهنشاهی ارشاکیان و ایامی قدیمتر از دو هزار سال پیش در آغاز بهاران بود و ماه های دوازده گانه سال همین نام های متداول امروزی منتها باشیوه تلفظ زمان خود بوده است.<sup>۲</sup>

۱- در سراسر بلوچستان و کردستان روز را روز تلفظ میکنند. چنانکه در سقز کردستان کوه ننگ روز دارند.

۲- گاه شماری در ایران قدیم، تقی زاده ص ۳: تیرو (تیر) آبانچ (آبان) اسپندارمت (اسفند)

ایرانیان از قدیم‌ترین ایام برای هفت‌روز هفته هفت‌نام ایرانی داشته‌اند بدین ترتیب: مهر - ماه - بهرام - تیر - برجیس - ناهید - کیوان. <sup>۱</sup> ماه قمری چهار هفته و قریب ۲۸ روز بوده است. هر سال ۳۶۰ روزه را بر دوازده ماه سی‌روزی قسمت می‌کردند و سی‌نام غیر تکراری برای سی‌روز ماه داشتند همچنانکه در سالنامه‌های امروزی زردشتیان نیز سی‌نام غیر تکراری برای سی‌روز ماه وجود دارد. آریاهای مهاجم در ابتدا سال را بدو فصل زمستانی و تابستانی قسمت کرده بودند. زمستان یازیم که در بادِ امر و نزد آریاهای سرمازده و بتاریکی فرورفته ده‌ماه بوده هفت‌ماه تقلیل یافت و با جشن مهرگان آغاز می‌گردید. پنج‌ماه بقیه سال راهلین یا تابستان می‌خواندند که با آمدن نوروز مشخص می‌گشت. بتدریج که مهاجمان آریائی در محیط‌های مختلف جغرافیائی و با آب‌وهوای مختلف دمساز شدند فصلهای سال نیز تغییر یافت و سالهای دوفصلی و چهار فصلی و شش فصلی مورد آزمایش قرار گرفت. سرانجام سال چهار فصلی و هار (بهار) هلین (تابستان) یاتیژ (پائیز) وزیم (زمستان) انتخاب و متداول گشت و سال خورشیدی ثابت و نوروز ثابت مورد قبول مردم و دولتیان قرار گرفت <sup>۲</sup> و ایرانیان نخستین ملت جهان شناخته شدند که بنیان علم نجوم را نهادند.

نیاکان گریانی <sup>۳</sup> ما (کیانیان) از پنجهزار و پانصد سال قبل آیین نوروز را بدو بخش مجزا تقسیم کرده بودند: نوروز خردک یا همگان که از اولین روز فروردین تا بیست و یکم ادامه داشت و نوروز ویزگان که با حضور شاهنشاه، شاهزادگان، روحانیان، دانشمندان، فرمانداران و بزرگان کشور روز اول فروردین تا مهر روز (شانزدهم فروردین) برگزار می‌گردید <sup>۴</sup>.

۱- تقویم نوروزی شهریاری، ذ. بهروز ص ۱۲

۲- المبتدء بعلم النجوم خطی کتابخانه مجلس شورا نوشته ابوالخیر خمار بنقل از رساله اسکندر افردوس از علمای اسکندریه.

۳- زردشت در قسمت ۸ گاتها کیانیان را گریان خوانده است.

۴- در دستگاه کروئولوژی واحکام نجوم ایران سه گونه نوروز داشته‌ایم (نوروز شهریاری + نوروز یزدگردی + نوروز بهیزگی) تقویم نوروزی ذ. بهروز ص ۲۷، و غیر از نوروز بزرگ در خرداد روز (ششم فروردین) باعیاد دیگر هم نوروز می‌گفتند مانند سرش روز در هفدهم فروردین و نوروز نرها در ۱۹ اسفند (آثار الباقیه بیرونی چاپ لیپزیک ص ۲۱۵ و ۲۳۰)



دانشمند ممتاز ایرانی سده چهارم هجری ابوریحان بیرونی که بیش از یکصدوسی و یک کتاب و رساله تألیف نموده است و بزبانهای سریانی و سانسکریت و یهلوی آشنائی لازم داشته در کتاب آثارالباقیه برنامه پذیرائی نوروزویژگان را بدین ترتیب اعلام نموده است:

روزاول فروردین هر سال شاهنشاه به عامه مردم بامیداد و بآنان میفرمود خدمتگزار و نیکخواه آنان است.

روز دوم فروردین دهقانان و خدمتگزاران آتشکده‌ها بحضور شاهنشاه میآمدند.

روز سوم فروردین اسواران و مؤبدان بحضور شاهنشاه بار می یافتند.

روز چهارم فروردین اعضاء خاندان سلطنت و رجال مهم کشوری و فرماندهان ارتش شرفیاب می گردیدند .

روز پنجم فروردین شاهنشاه بفرزندان و نزدیکان و محارم اجازه دیدار و پذیرائی نوروزی میداد.

روز ششم فروردین هر سال ندیمان و مشاوران سیاسی بحضور می آمدند و شاهنشاه از این تاریخ تا مهرروز (شانزدهم فروردین) به جشنهای خصوصی خود می پرداخت . فقط در نوروزویژگان و جشن مهرگان شاهنشاه در حضور مهمانان شراب مینوشید و بحاضران اجازه شراب نوشی میداد. بهنگام نوروز ایرانیان زردشتی بمناسبت نماز مشهوریتا هو که بیست و یک کلمه و اولین دستور و کلام زردشت است ۲۱ روز جشن می گرفتند (رها نمودن ۲۱ تیر بمناسبت همین نماز و سنت قدیمی چند هزار ساله است) همچنانکه رها نمودن صد و یک تیر بمناسبت نام اهورامزدامی باشد که ایرانیان ضمن نماز فرورگان اهورامزدامی خواندند.<sup>۱</sup> چون همه ساعت ندا شدند اگر تحویل سال در شب صورت میگرفت، آنرا با آتش افروزی بر فراز کاخ و بر بلندی کوهها و برج و باروها اعلام مینمودند و اگر تحویل سال در روز صورت میگرفت - همچنانکه امروز در

۱- هوخ، سال ۱۳۳۷ و مهره استوانه‌ای شکل نقش‌دار موزه ایران باستان که تنه سه درخت را تفر نموده و بر هر درخت هفت شاخه کنده است و تمام ۲۱ شاخه سه تنه درخت در بالای نقش بهم متصل میگردد.

تاجیکستان و ماوراء النهر رسم است. با دف و کرنا از مکان بلندی آمدن نوروز را مژده میدادند و یا مردی سوار بر الاغ شده رقص کنان و با آهنگی خوش آمدن نوروز را خبر میداد و مردم قند و پول و سبزی بر سرش میریختند.<sup>۱</sup> حمزه بن حسن اصفهانی کتابی داشته مربوط باشعار و آهنگهای نوروز و مهرگان که مورد استفاده واقع گردیده است.

قبل از آمدن نوروز خردک مردم از ده روز مانده بیابان اسفند ضمن برگزاری جشن فروردگان بدان عقیده که ارواح پاک ایزدی و پسران و مادران آنها از آسمان بیائین آمده میهمان اهل زمینند و وضع زندگی مردم پائین و بستگان را بازدید میکنند و درخانه و اثاث منزل داخل می شوند تا اگر خانه روشن و پاکیزه و مردمش آسوده و شکم سیر و سلامت باشند شادمان میشوند از این سبب ایرانیان و هندیان در این روزها در بام خانه های خود غذا برای مردگان خویش می گذاشتند و چوب و دانه های خوشبو سوزانده ، مستمندان را دستگیری مینمودند و این تشریفات تا اولین روز فروردین پایان می یافت. (گاه شماری در ایران قدیم)

درسفره نوروزی روستا نشینان و دهقانان ایرانی و به نسبت تمکن مالی صاحبخانه از زمانهای قدیم شمع و قند و شیر و سبزه نورس و یا شاخه ای از چوب عود و مجمر آتش وجود داشت تا عود را بهنگام تهویل بر روی آتش مجمر بسوزانند. معمولاً هفت نوع سبزه و ساقه و هفت جور شیرینی و نقل و خشکبار و هفت نوع میوه بیاد ۲۱ کلمه نماز یتاهو می گذاشتند. گاهی کاسه پر آب که گیاه اویشم و سیب و انار و چند سکه طلا و نقره و چند قطره کلاب بر آب کاسه می ریختند و آینه و عسل و نان و کماج درسفره نوروزی پولداران دیده می شد. با آغاز سال جدید سالمندترین فرد خانواده بیا میخواست و قاشقی عسل یا قطعه قندی بردهاں یکایک افراد خانواده میگذارد و با هدیه دادن یک برک سبز و یا یک سکه پول آمدن نوروز را شادباز می گفت. بعد تمام خانواده بیا میخواستند و نماز قندرستی ( یتاهو ) میخواند و از اهورا- مزدا خداوند خود دیرزیستن و فراخی روزی و شادگامی آرزو میکردند. پس

۱- تاریخسنی ملوک الارض نوشته حمزه اصفهانی ، سده چهارم هجری قمری ص ۳۲

از پایان این برنامه زن و مرد و بچه بکوی و برزن میرفتند و هر کرا از خودی و بیگانه می یافتند بدو آب میباشیدند . گذاشتن جام شکر بر سفره نوروزی رسمی کهن است جام آب نماینده آناهیت و فرشته آب و باران بود. انار علامت باروری و برکت و شمع نمودار روشنائی حیات و پایدار بودن چراغ زندگی و تخم مرغ نشانه نژاد و تخمه آدمی است. ایرانیان نوروز را جشن آفرینش نژاد و تخمه خود میدانستند و این جشن عقیده هنوز هم در بعضی روستاهای یوگسلاوی در ۲۲ آوریل انجام می گیرد.

رسم بر این بود از چهارشنبه در کوچه ها و بلندی کوه ها آتش می افروختند. هر شخصی هفت بوته گیاه خشک بر آتش مینهاد و به پایکوبی در اطراف آن می پرداخت زیرا بر مینای عقیده ی دیرین ، ایرانیان را عقیده بر این بود که آتش عفونت هوا و سردی و سستی زمستان را میبرد و احساس آتش هیجان و حرکت می آورد و هر فردی آتش را با گذاردن هفت بوته خشک زنده نگاه میداشت. سر انجام دوشیزه ای خا کستر آتش را به بیرون منزل برده کنار دیواری میریخت ، هنگام مراجعت دختر را با تشریفات و تصنیف های خوش بمنزل راه میدادند . این چهارشنبه آخر سال همان چهارشنبه خا کستر روز قبل از تممید کاتولیکها میباشد که در سوئد با تشریفات خاص تولد یوحنا و غسل دادن مسیح در ۲۴ ژوئن انجام می گیرد .

اصولا از هشت هزار سال قبل و از آغاز انتشار آیین مزدائی گذاردن هفت گل و گیاه و یا هفت میوه تازه و خشک و یا گذاردن هفت شاخه از درختان میوه دار بر سفره نوروز (هفت سین) نشانه احترام به هفت امشپنتان ( پاکان بیمرک) و یاران صمیمی اهورامزدا بوده است که خیر و برکت و خوبی بجهان پراکنده می سازند. از این سبب نام شش تای آنها بر شش ماه گذارده شده است. در آغاز سپننه منی نو (یا خرد مقدس) سر دسته آنان بود . در بعضی ایستانه اهورامزدا و یا سروش ایزد بهرام را بمنوان اولین امشپنتت و رهبر آنان می شناختند و بطور کلی این هفت یاران صمیمی اهورامزدا بدین شرح بوده اند :

- ۱- اهورمزدا بمعنی بزرگترین دانای هستی و آفریننده فکر که روز اول ماه مهر بنام اوست و درخت مقدس مورد بدو تعلق دارد.
  - ۲- اشوه‌میشته (اردی بهشت) بمعنی بهترین پاکی و نگهبان آتش که نامش را بر روزیست و هفتم هرماه گذارده‌اند و گل مرزنگوش بدو تعلق دارد.
  - ۳- هئورتاته (خرداد) بمعنی تندرستی و خرمی که فامش بر روز سی‌ام هرماه گذارده شده و گل سوسن از او باقیمانده است.
  - ۴- امره‌تات (امرداد) که روز اول هرماه بغیر از ماه مهر بنام اوست و گل چمبک (زنبق) بدو تعلق دارد.
  - ۵- خشسیه وئیریه (شهریور) بمعنی نیروی آسمانی در راه نگهبانی و حمایت از شاهنشاه که روز بیست‌و‌هشتم هرماه بنام اوست و گل و گیاه اسپرغم (ریحان) از اوست.
  - ۶- وهومنه (بهمن فرزند اهورامزدا) بمعنی نیروی اندیشه پاک و حامی برزگران و دام‌ها که روزیست و نهم هرماه بنام اوست و گل یاسمن سفید بدو تعلق دارد.
  - ۷- سپننه ارمتی‌تی (اسفند) بمعنی لطف و محبت و حامی سرسبز کنندگان که روز ۲۹ هرماه بنام او و گل بید مشک بیاد بود اوست.
- بلا تردید اطلاق نام هفت سین و هفت شین در سفره نوروزی از دوران حکومت اسلام و عرب، در ایران متداول گردیده است زیرا هیچ موجبی برای مقدس بودن حرف سین عرب‌ها و یا حرف شین در نزد ایرانیان آریائی وجود ندارد و عناصری که در خوان نوروزی گذاشته میشد بشرحی که مرقوم گردید چیزهای دیگر بوده و نام دیگر داشته است. مقدس بودن هفت بسبب انتصاب به هفت مقدسان جاوید و یا شباهت به هفت گوهران آسمانی هنوز هم در دور افتاده‌ترین خانواده‌های ایران سبب فرجام خوب شناخته شده است. در بعضی دهات گیلان سفره هفت‌سین را بالای سفره عقد میکذارند و آنرا مایه شکون و نیکبختی نوعروس میدانند.
- استیلای عرب‌های مسلمان و تعصبات شدید آن‌ها در اشاعه شریعت تازه و امحاء معتقدات مردم تسلیم شده سبب گردید تا جشن نوروز و مهرگان و نزدیک

به‌سی و پنج جشن ملی ایرانیان محدود و متروک شود، و جشنهای قربان و غدیر جایگزین آن‌ها گردد. با این حال چون نوروز با حیات ملی مردم ایران بستگی تاریخی دارد کشاورزان و دهقانان ایرانی به زنده نگاه داشتن آیین‌های آن همت گماشتند.

قیام ابو مسلم و بابک خرم‌دین و دیگر آزاد مردان ایرانی علیه تسلط اجنبیان سبب گردید تا جشن‌های نوروز و مهرگان بطور رسمی در دربار شاهنشاهان و استانداران متداول گردد. سامانیان و غزنویان بتشویق وزیران ایرانی خود در این راه اقدام نمودند و شاعران و خطبه‌سرایان را به شادباش کوئی در نوروز و مهرگان واداشتند و چون در سال ۲۴۸ هـ. المستمین خلیفه عباسی فرمان داد تشریفات آیین نوروز در بغداد موقوف گردد، ایرانیان بقدری به شحنة بغداد و خودی و بیگانه آب‌پاشیدند که یارای حرکت از رئیس شهر بانی بغداد سلب گردید و خلیفه مجبور به لغو دستور خود گشت.<sup>۱</sup>

قدیم‌ترین سند تاریخ اسلامی که بتفصیل درباره نوروز و تشریفات وابسته بدان اطلاعات سودمند بما میدهد کتاب «المحاسن والاضداد» نوشته «جاحظ» دانشمند ایرانی و مسلمان سده سوم هجری است. جاحظ نزدیک به هزار و یکصد سال قبل بنقل از کتاب «الاعیاد والنواریز» نوشته علی بن مهدی اصفهانی مشهور به الکسروی که تا سال ۲۸۹ هجری زنده بوده ضمن توصیف نوروزها از نوروز خوزستان به‌هنگام رسیدن درخت خرما (درخت آسوریک) و نوروز شمال و نوروز عامه و نوروز پادشاهان نام میبرد.<sup>۲</sup>

جاحظ گوید نخستین مردی که ابتکار نوروزی کرد، کاخ پادشاهی ساخت و تشریفات سلطنت برقرار نمود، استخراج طلا و نقره و آهن را ضمن حمایت از کارهای صنعتی معمول داشت<sup>۳</sup>، کواخسر و پرویز جهان (نگهبان جهان) بود که با بادی ایران‌شهر و کشور ایران پرداخت و چون نوروز آغاز برقراری نظام

۱- نسخه خطی تاریخ امم، مجلس شورایی، ۲۹

۲- محاسن والاضداد چاپ مصر ج ۲

۳- این دو دمان همان کیانیان هستند که زردشت در گاتها بخش هشت آنها را گریان خوانده‌است. آنان ۵۵۰۰ سال قبل بنیان شاهنشاهی ایران را در سراسر خراسان شمالی و کناره‌های شمالی دریای خزر نهادند.

جامعه ایرانی و سلطنت و توفیق اوست بدین مناسبت ایرانیان در این روز بشادمانی پرداختند. پیوراسپ تورانی، این پادشاه قانون گذار را در کوه دنباوند (دماوند) زندانی نموده بهلاکت رسانید لیکن آفریدون امردبیری برادران آریائی ایرانی خود شتافته پیوراسپ را دستگیر و بهلاکت رسانید و ایرانیان (خراسانیان) بشادمانی پیروزی بر تورانیان اجنبی، جشن مهرگان را برپا ساختند.<sup>۱</sup>

جاحظ باستناد کتاب جشنها و نوروزها گوید بهنگام نوروز شاهنشاه ایران با لباسهای پرشکوه از ابریشم بر تخت سلطنت می نشست. مردی کشاده رو و خوش بیان که بخوش قدم بودن مشهور بود و او را پیک نوروزی میخواندند، سحر گاهان بر درب خانه شاه آمده بانتظار میماند. بامدادان همینکه شاهنشاه بتالار پذیرائی وارد میگردد پیک نوروزی در حالیکه سینی نقره زیبایی بردست داشت بر درگاه شاهنشاه ظاهر میگردد و درود گویان اجازه ورود می طلبید. شاه می پرسید: «هان کیستی، از کجا آمده ای، با چه چیز آمده ای، همراهانت کیانند، و کی ترا باین جا رهنمون شد؟» پیک نوروزی پاسخ میداد: «از نزد مردم فرخنده آمده ام. قصد دیدار نیک بختان دارم. براهنمائی مردم پیروز باینجا آمده ام. نسام خجسته است و با خود سال نوین را برای شاهنشاه بزرگ، همراه تندرستی و نیکبختی آورده ام.» بدنبال این توضیحات دلنشین شاهنشاه اجازه میفرمودند تا به تالار کاخ وارد گردد.

در دست پیک نوروزی و در داخل سینی نقره هفت قطعه نان کوچک که هر کدام را جداگانه با آرد کندم، ارزن، فنخود، و کاورس و جو و برنج پخته بودند قرار داشت. هفت شاخه از سبزه گیاهان ناناها و هفت دانه از هر نان در کنار سینی بچشم میخورد. در میان سینی هفت شاخه از چوب هفت درخت که از دیدن شکل و یا شنیدن نام آنها فال نیک و برکت می جستند مانند زیتون و کلابی و سیب و انگور و انار و انجیر و به هر کدام بساندازه یک تا سه کره وجود داشت که نام یکی از هفت استان ایران دوره ساسانی بترتیب اهمیت بر آنها نوشته شده بود در کنار سینی بخط پهلوی و بادانه

۱ - المحاسن والاضداد مجلد ۲، چاپ مصر

گیاهان رنگ شده کلمات افسزود، ایزاید، ایزون، برواد، فراهید را نوشته بودند که بمعنی روئیدن، زیاد شدن، غذا، شادمانی و شکیبائی بود. هفت نوع شیرینی سپید رنگ و هفت درهم و دینار تازه ضرب و مقداری اسپند و یک جوز هندی پوست گرفته بچشم میخورد. در طرف دیگر سینی چند جام طلا و نقره از شیر تازه، شیر خرما، شیر نار کیل گذاشته بودند. یک نوروزی سینی را در میان دودست شاهنشاه بر زمین نهاده یکایک آنها را از درون سینی برمیداشت و برای تندرستی و جاودانی شاهنشاه و کشور دعا میکرد.<sup>۱</sup>

شاهنشاه از شیر تازه و پنیر تازه مختصری میل میفرمود و مابقی را به حاضران در جلسه مرحمت میفرمود. خوردن شیر تازه و پنیر تازه سنتی بود که تمام شاهنشاهان ساسانی بدان عمل مینمودند. پادشاه نگاه کردن بسبزه جو و نارنج را بفال نیک میگرفت و سعی مینمود بهنگام جشن های نوروزی در هیچ کار بد و فکر بدش رکت نکند مبادا مورد بیمه‌ری یزدان قرار گیرد و میمنت نوروزی از او دوری نماید.

در تمام روزهای جشن یک کوزه نقره که قلاده‌ای از یاقوت سبز بر جرد و زنجیری از طلا بر گردن داشت و آنرا محرمانه و دور از چشم مردم آب نموده بودند، بنزد شاهنشاه میآوردند. شاه ضمن خوردن مقداری از آب کوزه میفرمود این خوشبخت کننده را بخود پذیرفتم. پس از آن بفرمان شاهنشاه بقیه آب کوزه را برای دختران آسیابان و کارگران میبردند. شاهنشاه ساسانی در هر یک از روزهای جشن نوروزی یک بازسپید با آسمان پرواز میداد و مربی تیراندازی شاه در اولین روز فروردین تیر و کمانی ممتاز تقدیم میداشت و پادشاه ترنجبی باو مرحمت میفرمود.<sup>۲</sup>

هنگام باریابی یک نوروزی رامشگران سرود بهاری سرودهایی که نام فرزندان شاه و یا هنگام آمدن باران را بیاد میآورد، سرودهای سؤال و جواب منظوم، سرود آفرین، سرود خسروانی، سرود مازرستان و سرود پهلوی میخواندند. سرود پهلید رایج‌ترین سرودها در تشریفات نوروزی کاخ نوشیروان

۱- المعاسن والاضداد ص ۲۷۷ - ۲۷۴

۲- المعاسن والاضداد، ج ۲

بود. پهلید مردی آهنگ ساز و خواننده از مردم بلخ بوده که در ساختن اشعار و آهنگ های خاص نوروز شهر یاری مهارتی بسزا داشت. او ضمن خواندن سرودها از روزهای پر شکوه شاهنشاهی و از پیروزیهای پادشاه و از انتخاراتی که بکشور و ملت بخشیده است یاد میکرد. سرودهای او مهر و عطوفت شهر یاری را جلب مینمود و شاه را بخدمات جنگ آوران و مرزبانان و خادمان شاه و ملت متوجه نموده بخشودگی گناهکاران و زندانیان را یادآور میگردد. پس از انجام برنامه پیک نوروزی بشرحیکه در فوروزنامه عمرخیم آمده است، مؤبد موبدان بحضور شاهنشاه بارمی یافت؛ با جامی زرین از می خوشگوار و مقداری درهم و دینار خسروانی در کنار ظرفی از خوید (گندم و جو سبز نشده) در یک سینی همراه شمشیر و تیرو کمان و انکشتر و دوات و قلم و اسبی عالی نژاد که غلامی چابک رفتار بهمراه می آورد. مؤبد موبدان ضمن ستایش شهر یار داد گستر پادشاه را بر است کرداری و عمر فراوان یادآور و شادباش میگفت. پس از وی شاهزادگان، فرماندهان ارتش، نجیب زادگان، و رؤسای خانواده های ممتاز بحضور شاهنشاه میرسیدند و ضمن شادباش گوئی هر کدام هدیه ای را که خود دوستش میداشتند به شاهنشاه تقدیم میکردند. شهر یار ایران بعضی از آنها را برای خود نگاه میداشت و مابقی را بخدمتگزاران حاضر در جلسه مرحمت میفرمود. عموم مردمیکه بحضور شهر یار ایران بار می یافتند در طول اجرای برنامه نوروزی مراقبت مینمودند بهیچ روی خاطر شاه آزرده نگردد. خبرهای ناخوشایند و ضروری مانند خبرهای سیاسی و نظامی و درگذشت عزیزان و بستگان را ضمن آهنگ موسیقی و با تندبیر خاص باستحضار شاهنشاه میرسانیدند تا ناراحتی و هیجان سخت بر شاهنشاه دست ندهد.

جا حظ بنقل از کتاب کسروی گوید از ۲۵ روز مانده با آغاز فروردین خدمتگزاران در بار دوازده بدر سودمند گندم، جو، برنج، عدس، باقلا، ارزن، ذرت، لوبیا، نخود، کنجد، ماش و کاوس را بر روی ۱۲ ستون خشتی کوتاه میکاشتند و از روز ششم فروردین (روز تولد زردشت و آفرینش آدمی) که نوروز ویژه شاهنشاهی آغاز میگردد با آواز خوش و ترنم آنها را می چیدند و بعنوان شکون و میمنت بر کف اطاق های کاخ میریختند و تا مهر روز



(شانزدهم فروردین) آنها را از زمین برنمیداشتند<sup>۱</sup>. جشن نوروز بهنگام شاهنشاهی انوشیروان ساسانی با شکوه فراوان برگزار میگردد. مارسلیوس بازرگان رومی که شاهد برگزاری جشن بوده در سفرنامه خود مینویسد: «در اولین روز جشن زنان و دختران پایتخت با لباس های حریر آبی و سبز مردان با جامه های نودوخته در صحن حیاط کاخ شاهنشاهی که آنرا وهوشت اخو یا بهترین جهان مینامیدند<sup>۲</sup> جمع شدند طبقات ممتاز بتدریج وارد کاخ شده بتالار سلطنتی راهنمایی گردیدند. تالار سلطنتی (که بزبان عربی طاق کسری نامیده میشود) صد متر درازا و پنجاه متر پهنا و چهل متر بلندی دارد و یکصد و بیست ستون مرمرین نقش برجسته برزینت آن افزوده است. دیوارهایش را بانقاشی های برجسته از مناظر طبیعت آراسته اند. معمولا رسم بر این است بهنگام نوروز درفش کاویان را که چرم پیش بند کاوه آهنگر است و با جواهرات زینتش کرده اند بر پیشانی خارجی کاخ آویزان میکنند. این پرچم بعنوان نمودار غلبه حق و بهنگام جنگ پیشاپیش ارتش ها و یا بوقت تاجگذاری و هنگام نوروز بر بالای کاخ آویزان میگردد و عامه مردم از مشاهده ناگهانی پرچم کاویانی در میابند واقعه مهمی در پیش است و جارچیان بلافاصله مردم پایتخت را از کیفیت واقعه آگاه میساختند.

در داخل تالار سلطنتی انوشیروان که شش هزار متر مساحت دارد، فرش زمینه سفید یکقطعه ای مزین بجواهرات هفت رنگ بر کف تالار گسترده شده است. این فرش که منظره بهار و طبیعت را مینمایاند درختانش را بازمردسبز و شکوفه درختان را با زبرجد و عقیق سفید و صورتی و یاقوت سرخ مجسم ساخته اند. قندیل ها و شمعدان های طلا و مجسمه های جواهر نشان و مجسمه شتری از نقره خام و اسبی از طلای سرخ با زین و برک جواهر نشان برزینت تالار شاهنشاهی ایران افزوده است.

در انتهای تالار پرده مروارید دوزی با ابریشم آبی رنگ و آویزهای کرد

۱- محاسن جلد ۲ چاپ مصر

۲- وهوشت اخو همان است که بعدها بهشت شده است. مجله هوخت، ۱۳۳۹

وزیرت آویزان است. يك صندلی برای مهین دستور (نخست وزیر) گذارده اند و صندلیهای دیگر برای مؤبد مؤبدان ، وزرای دربار ، هیئت دولت ، ارتشبدها و فرماندهان طراز اول مرزبانی ، شهربانی و شهرداری و نمایندگان ملت های چین ، ترك ، و هند ، مصر و مردم روس و عرب و . . . دانشمندان ایرانی و رومی که در دانشگاه گندی شاپور درس میدهند با لباس های صنفی آمده بودند گذارده شده بود.

در میان تالار میز بزرگی بامیوه و شیرینی و آشامیدنی قرار داده بودند. ستاره شناسان در گوشه تالار مشغول محاسبه نجومی و استخراج و اعلام تحویل و آغاز سال نو هستند. به محض اشاره آنان پرده دار سلطنتی پرده مرورید نشان را با آرامش تمام باز نمود و با صدای بلند اعلام داشت زبان ها را نگاه دارید زیرا اکنون در برابر شاهنشاه ایران زمین هستید. تمام مردمی که در تالار سلام ایستاده بودند تعظیم نمودند. انوشیروان بر تخت جواهر نشانی از عاج که با یاقوت سرخ پوشیده شده بود جلوس نموده بود مقتدرترین مرد جهان لباس نیم تنه شال سفید و شلووارش از حریر آسمانی رنگ و قاجش باماه و کوئی مرورید نشان و گردن بند و حناییل و بازو بند مرصع به همراه بود. گریزی بوزن ۹۱ من از طلای ناب بازنجیر طلائی از سقف تالار و بر کنار تخت آویزان بود. پس از تعظیم ممتد حاضران موبد موبدان بحضور شاهنشاه رفت و اظهار داشت انوشک بوی اکامک رسی (جاویدان بمانی و کامیاب گردی) رهبر روحانیت کشور ضمن ستایش شهریار دادگستر نوروز را شادباش گفت. انوشیروان در پاسخ فرمود یزدان را ستایش میکنیم که بما توانائی داد تا امن و آرامش را در سراسر کشور برقرار سازیم و آسایش و رفاه عمومی را همراه با توسعه عدل و داد در سراسر کشور عملی کنیم. نوروز را بشما و همه مردم ایران شادباش میگوئیم و نیک بختی و بهبود وضع همگان را از خداوند بزرگ خواستاریم. پس از اجرای برنامه مزبور ، شاهنشاه اجازه فرمودند تا حاضران در شادمانی نوروز شرکت کنند. با خواندن سرود پهلوی پرده دار پرده سلطنتی را جمع نمود. شاهنشاه مراجعت فرمودند و راهشکران حاضران تالار و مردمی را که در صحن

باغ جمع گردیده بودند، به شادمانی و سرور آوردند. ۱

### میر نوروزی

یکی از سنت‌های جالب و کهن آیین نوروز که تا سال ۱۳۱۲ خورشیدی در روستاهای بجنورد و کردستان ایران و عراق و بختیاری متداول بود انتخاب فرمانروای نوروز و اقدامات سودمند و مسرت بخش او بوده است. از دوران شاهنشاهی هخامنشیان رسم بر این بود کلانتران و کدخدایان روستاها که مردمی درستکار و منتخب مردم بودند از چند روز مانده به نوروز شخص بسا کفایت و مطلق را از طبقات یائین اجتماع و معمولا از مردم طبقه ۳ و از کسبه جزء مانند کفش دوز و کارگر حمام و امثال آن، بعنوان امیر و فرمانروای نوروز انتخاب مینمودند و او را در پنج روز اول سال فرمانروای مطلق مردم میساختند و استانداران و فرمانداران از نظر مقابمت با خواست مردم، در این پنج روز خود را از پادشاهی و حکومت مخلوع دانسته نام سلطنت را با جمیع مزایای آن از فرمانروایی مطلق و اطاعت عمال لشکری و کشوری بدو واگذار میکردند. فرمانروای نوروز با اطمینان از عدم بازخواست و مواخذه بعدی فرمانروایان واقعی، احکام عزل و نصب و توقیف و جریمه و مصادره اموال صادر مینمود و توسط داروغه ها و عمالی که خود از میان مردم عادی شهر و ده انتخاب مینمود، بمرحله اجراء میگذاشت.

در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در مهاباد کردستان مشاهده نمودم بدستور میر نوروزی در تمام پنج روز اول فروردین تعطیل عمومی اعلام گردیده در تمام کوی و برزن ها و سائل موسیقی و رقص و شادمانی بر پا گشت. عامه مردم مکلف بودند در جشن و سرور نوروزی شرکت کنند. هدف و برنامه کار میر نوروزی آن بود که مشکلات یکساله مردم را در این پنج روز فیصله دهد و عقده های روحی آنان را برطرف سازد. بدین منظور پادشاه یا میر نوروز بامسخره مخصوص خود که بلهجه محلی او را « ویش کرن » Wish Karn میگفتند همراه جمع کثیری از زن و مرد و بچه در شهر مهاباد بگردش پرداخت.

دلک امیریک کدوی میان تهی از میان بدونیم کرده بانقاشی و رنگ آمیزی مانند ماسکی بر صورتی گذارده به مسخرگی و خنداندن مردم پرداخت لیکن فرمانروای نوروز در پنج روز فرمانروائی خود بهیچ عنوان نمی خندید زیرا مورد بازخواست متابعان قرار میگرفت از آن جهت که دستور آتش بمرحله اجراء نمیامد و حل مشکلات مردم در پنج روز حکومت او انجام نمی پذیرفت، بر اساس اقدامات میر نوروزی پاداش هیچ ظلمی بیش از یکسال طول نمی کشید. اختلافات و دعاوی مردم در پنج روز حکمرانی او فیصله مییافت.

اطلاع یافتم سال گذشته در چنین روزها در مهاباد امیر نوروز بمدیونگی تکلیف نمود تا چهار صد تومان بدهی خود را در سه نوبت بپردازد و با آنکه بدهکار قبول کرده بود در مدت یکسال بتمهد خود عمل ننمود. در نوروز سال ۱۳۱۰ خورشیدی طلبکار مجدداً بنزد امیر نوروز آمده شکایت کرد. پادشاه نوروز دستور داد تا بدهکار را جلب کنند و دو برابر بدهی او را از وی وصول نموده بطلبکار تحویل نمایند. مأموران و دارو نگان فرمانروای نوروز دستور پادشاه خود را عمل کردند و هشتصد تومان از نقدینه و اموال و دام های بدهکار را تصرف نموده بطلبکار تسلیم نمودند. طبق صورت مجرمانه ای که کدخدایان و کلانتران بمیر نوروزی تسلیم نموده بودند امیر در یکی از پنج روز حکمرانی خود بعلامت غضب لباس قرمز رنگ بر تن نمود. مالکان و بازرگانان از شنیدن کیفیت واقعه از قفس از خانه های خود بیرون نیامدند. میر نوروز دستور داد تا اموال و دارائی یکی از بازرگانان را که در سال گذشته بسبب مخفی نمودن خواز و بار از راه گران فروشی ثروتی بدست آورده بود تاراج کنند، و مأموران امیر با همراهی مردم بیدرنگ دستور فرمانروای خود را عمل کردند. میر نوروز بیکنفر از مالکان پیغام داد بشکرانه ثروتیکه در سال گذشته بدست آورده است سیصد تومان بفرستد و چون دریافت داشت تمام آنرا به مستمندان مهاباد تقسیم نمود. بیکنفر از ساکنان این شهر از ظلم و اهانتهی که در سال گذشته بر او شده بود، به امیر نوروز شکایت کرد. امیر ظلم کننده را احضار نمود و پالانی بر پشتش نهاده و مجبورش کرد تا چهار دست و پا راه برود. بدین ترتیب و با خندیدن و استهزاء

دستجمعی مردم رفع توهین از شاکی بعمل آمد. در روز پنجم فرمانروائی او نداستم بچه سبب امیر شخصی را جلب نمود و مأموران میر نوروزی متهم را تخت نموده و ادا کردند چهار دست و پا راه برود. بدھکار محترمی منکر بدھی خود گردید و حاضر بتراضی نشد. میر نوروز او را نزد قاضی شهر فرستاد و چون در آنجا نیز کار فیصله نیافت فرمانروای نوروز طرفین دعوا را همراه مأموران خود نزد امام جماعت شهر فرستاد تا بر طبق دستور خداوند و آیین اسلام با آنان رفتار گردد. بدین ترتیب حل اختلافات محترمان شهر با امام شهر بود. عامه مردم قسم خوردن را تنگ میدانستند و وزیر بار این خفت نمیرفتند.

خواجہ علاء الدین عظاملک جوینی وزیر ہلاکو خان در جلد اول کتاب تاریخ جهانکشی جوینی در صفحات ۷۹ - ۷۸ در بیان تصرف خوارزم بدست مغولان گوید: «در آنوقت خوارزم از سلطان خالی بود. از اعیان شهر خمار نام ترکی بود از اقربای ترکان خاتون آنجا بوده است چون در آن سواد اعظیم و مجمع بنی آدم هیچ سرور معین نبود کہ در نزول حادثات امور کفایت جمہور با و مراجعت نمایند و بواسطہ او با ستیز روزگار ممانعت کنند بحکم نسبت و قرابت خمار را باسم سلطنت موسوم گردند و پادشاہ نوروزی از او بر ساختند و ایشان غافل از آنج در جهان چہ فتنہ و آشوب است و خاص و عام خلایق از دست زمانہ در چہ لگد کوب.» دولتشاہ سمرقندی در تذکرہ خود در شرح احوال میرزا علاء الدولہ فرزند بایسقر و نوادہ شاهرخ تیموری گوید: «القصہ نصیب جام علاء الدولہ ہمیشہ از خم فلک دردی درد بود، و بعد از وفات ... باز بدستور سابق در دست فرزند متہور ذلیل گشت و چند روزی چون پادشاہان نوروز (و در نسخہ مرحوم د کتر غنی چون میر نوروز) در ہنگام نوروز آن سال در دار السلطنہ ہرات حکومتی شکستہ بستہ نمود.»<sup>۱</sup>

طی مکتوبی کہ چہل و دو سال قبل میرزا یوسف خان حکیم ہاشمی مقیم بجنورد در پاسخ استفسار شادروان محمد قزوینی بمعظم لہ اعلام داشته بود: «بہنگام نوروز سال ۱۳۰۲ خورشیدی برای معالجہ بیماری بہ بجنورد رفتہ بودم. در آنجا مشاہدہ کردم شخصی را با لباس فاخر بر اسب سفید بلند قامتی نشانیدہ چتری بر سرش

۱ - تذکرہ ہفت اقلیم ص ۴۱۶

گرفته بودند و چند شاطر و فرائش بتقلید حکام محلی چوب بدست در طرفین و در عقبش روان بودند. چند نفر هم چوب‌های بلند در دست داشتند که بر سر هر چوبی کله مرده حیوانی از گاو و شکارهای صحرائی آویزان کرده بودند و در پشت سر امیر نوروزی حرکت مینمودند. بدان علامت که پادشاه از جنگی فاتحانه مراجعت نموده سرهای دشمنان را به همراه می‌آورد، جمعی سواره بدنبال امیر نوروزی روان بودند و خلق بسیاری از زن و مرد و بچه با لهله و شادی و ساز و دهل بدنبال کاروان حرکت مینمودند.

میر نوروزی ضمن حکمروائی با اقتدار خود ببعضی مالکان و بازرگانان فرمان میداد تا فلان مقدار پول و یاغله و دام جهت سیورسات ارسال دارند. پس از چانه زدن‌ها و رفت و آمدهای مأموران امیر سرانجام بمبلغی توافق میگردد و اعیان و بازرگانان از روی میل و رضا و بسبب میمنت نوروزی دستورات فرمانروای نوروز را اطاعت مینمودند. وی مقداری از ثروت بدست آمده را برئیس ایل یا فرمانروای واقعی تسلیم میکرد، مقداری را ب مردم مستمند و اندکی برای خود میگرفت، ابوضمی که در محلی تحقیق نمودم مقام میر نوروزی بفردی که در گذشته امتحان شایستگی و لیاقت داده بود و در خانواده او موروثی گشت و عنوان میر نوروزی در دوران حکومت اسلامی در شعر و ادب فارسی بکار رفت. شاعر شیرین سخن شیراز حافظ در غزلی که مطلع آن اینست: «ز کوی یار میآید نسیم باد نوروزی، فرماید:

سخن در پرده میکویم چو گل از غنچه بیرون آی

که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی

برقراری تشریفات میر نوروزی در مصر و هند و عثمانی که مسلمانان شیعه بر آن حکمروائی میکردند همچنان متداول بود. علاوه بر عطاء ملک جوینی و دولت‌شاه سمرقندی در کتاب المواعظ والاعتبار بذکر الخطط والاثار معروف به کتاب خطط مقریزی در صفحات ۳۰ و ۳۹ در مجلد دوم گوید در دوران خلفای فاطمی مصر و تامدتها پس از انقراض ایشان نوروز بمانند عیدی بزرگ ملی در سراسر

مصر رایج بود و مردم ودولتیمان در این جشن شرکت مینمودند. در شب نوروز مردم بهم آب میپاشیدند و تخم ما کیان بهم پرتاب میکردند و باقازیانه چرمی ببدن همدیگر میزدند. و بعد مغریزی گوید در روز نوروز امیری بنام امیر نوروز سواره ظاهر میشود و با او جمع کثیری همراهند و بر مردم حکمروائی میکنند و فرامینی به طنز و مسخره باعیان و اکابر نوشته مبالغ بزرگی مطالبه میکنند البته مقدار قلیلی باو میدهند. مردم در محلی که خلیفه آنها را می بیند با موسیقی و آواز شادی میکنند ... بعدها امیر برقوق این رسمها را موقوف کرد. بدین ترتیب برنامه سودمند و مسرت بخش میر نوروزی مطابق کیفیات اخلاقی و روحی مردم هر ناحیه تا سال ۱۳۱۱ خورشیدی رایج بود و از آن تاریخ بسبب اجرای برنامه نظام نوین دادگستری و رفتن ضابطان دستگاه مزبور ( ژاندارم ها ) بهمۀ روستاهای کشور این سنت دیرین ملی متروک گردید. در فروردین ماه ۱۳۴۷ وزارت پست و تلگراف و تلفن قمبر میر نوروزی را چاپ و انتشار داد لیکن اشتباهاً حاجی فیروز دوره گرد را بعوض میر نوروزی معرفی نمود. این حاجی فیروز که لباس سرخ رنگ میپوشد و صورتش را برنگ زمستان سیاه نموده با دزدن و تصنیف خوانی در کوچه ها آمدن نوروز را بشارت میدهد، همان جوان خوش میمنت پیک نوروزی زمان اشکانیان و ایامی قدیم تر از آنست که در دربار پادشاهان بدان ترتیب در روستاها بر چارپائی سوار شده آمدن نوروز را در کوچه های روستا مژده میداد و مردم پول و نقل و سبزی بر سرش میریختند و ممکن است از سیاهان بومی جنوب ایران باشد که به اربابان آریائی و مهاجم خود در سیستان و شوش و سرزمین سونگیرها باین کیفیت شادباش میگوید و ربطی به پادشاه یا امیر نوروزی با آن همه قراول و یساول و شاطر و چتردار و اردوی سواره و پیاده ندارد که دستور حبس و تبعید و مصادره اموال و عزل و نصب مأموران و حل و فصل سریع دعاوی مردم را میداده است.

پایان